

اندیشنامه جهان اسلام (۳)

جنبش‌های اسلامی معاصر در شمال آفریقا

فهرست

پیشگفتار	۷
مقدمه	۹
نگاهی گذرا به اندیشه‌ی مدرن	۱۳
۱- مدرن	۱۳
۲- مدرنیته	۲۱
۳- مدرنیسم	۲۲
۴- مدرنیزاسیون	۲۴
رویکردی اجمالی به اسلام	۲۵
نتیجه‌ی بحث	۲۹
عقلانیت در اندیشه‌ی مدرن	۳۶
مفهوم عقلانیت ابزاری	۳۶
کنش‌های چهارگانه	۳۷
تعارض عقلانیت صوری با عقلانیت محتوایی	۳۹
عقلانیت ابزاری و دنیوی و سکولار شدن	۴۰

پیشگفتار



بسم الله الرحمن الرحيم
يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا
ای مردم! همانا برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است، و ما نوری
روشنگر (قرآن) به سوی شما فرو فرستادیم. (نساء-۱۷۴)

سپاس خداوندی را که بشر را به برهان حقانیت وجود ذی جود آخرین فرستاده‌اش و
نور روشنی بخش کلام الله مجید هدایت کرد و ملت شریف ایران را با هدیه‌ی آسمانی
انقلاب اسلامی و حیات در ذیل نعمت ولایت در مسیر رشد و تعالی قرار داد.

انقلاب اسلامی، نعمت بی بدیلی بود که رهین ملت ایران شد تا مسیر تمدن سازی
اسلامی و الگو شدن برای جهان بشریت را بپیماید و البته در این طریق راه ناپیموده هنوز
زیاد است و نیازمند گام‌هایی استوار و خردورزانه هستیم. اندیشکده‌ی برهان که متشکل
از جمعی از فرزندان انقلاب اسلامی است، کانونی است فعال در زمینه تبیین گفتمان
تمدن ساز انقلاب اسلامی. تلاش این موسسه اندیشه‌محور بر این است که با تکیه بر
سرمایه و استعداد معرفتی - علمی نیروهای فرهیخته جریان انقلابی و ارزشی به تبیین

گفتمان انقلاب کمک کرده، در مسیر تربیت نیروهای فکری تراز انقلاب اسلامی و یا به تعبیری «مؤمن اندیشه‌ورز جهادی» بکوشد.

این موسسه خود مسیر مطلوب خود را حرکت در چارچوب الگوی امام-امت می‌داند و بر این اساس، مبنای گفتمان‌سازی جهادگران فکری این اندیشکده بر پایه‌ی تبیین بیانات و دغدغه‌ها و مطالبات سیاسی-فرهنگی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و تولید پژوهش‌های معرفتی و راهبردی معطوف به این مهم است. اندیشکده‌ی برهان بر آن است که در مسیر یک جهاد فکری و اعتقادی منسجم و متقن با پاسخگویی مستدل و منطقی به پرسش‌ها و مسئله‌های کنونی جامعه، گره‌گشایی از معضلات فکری و نظری و شبهه زدایی و تولید تحلیل و تأملات سالم و پالوده از کج‌اندیشی و انحراف، گام بردارد.

امید است این اثر، گامی کوچک اما مؤثر در شناخت و تعمیق اسلام ناب محمدی (ص) و مورد رضایت پرچمدار هدایت بشر، حضرت ولی عصر (عج) قرار گیرد. لازم است از زحمات سرکار خانم الهه خانی و سایر همکارانی که ما را در تهیه این اثر یاری فرمودند، تشکر بجای آوریم.

محمدجواد اخوان

مدیر اندیشکده برهان

مقدمه



«جنبش» (Movement) در لغت به معنای هیجان، حرکت مردمی، ناآرامی و در اصطلاح، به کوشش جمعی برای پیشبرد منافع یا تأمین هدفی مشترک از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی اطلاق می‌شود. (کیدنز، ۱۳۷۶: ۶۷۲)

«جنبش‌های اسلامی معاصر»، گونه‌ای از جنبش‌های اجتماعی هستند که در واکنش به یک یا چند عامل از میان عوامل متعددی مانند استعمار غرب، انحطاط فکری و استبداد داخلی، الغای خلافت عثمانی، سکولارسازی شتابزده جوامع اسلامی، شکست‌های نظامی مسلمانان از بیگانگان، شکست الگوهای رقیب مانند ناسیونالیسم و سوسیالیسم عربی، انحطاط درونی جوامع خویش (بحران مشروعیت، بحران هویت، توزیع ناعادلانه ثروت، فساد و سرکوب) و نیز با تکیه بر اسلام به عنوان خاستگاه فکری و الگوی نجات بخش پدید آمده‌اند. منطقه شمال آفریقا اعم از کشورهای مصر، لیبی و سودان و «مغرب عربی» شامل الجزایر، تونس، مراکش و موریتانی در طول تاریخ شاهد انواع استعمار و جنگ‌های خونین بوده است. این منطقه با هویت اسلامی، از یک سو به لحاظ وجود سرمایه‌های طبیعی و منابع معدنی و از سوی دیگر حضور اندیشه‌های ناب

اسلامی دارای وضعیتی ممتاز بوده و توجه همیشگی قدرت‌های غربی به ویژه انگلیس، آمریکا و فرانسه را به خود معطوف گردانیده است. به این ترتیب، جهان اسلام و به طور خاص منطقه شمال آفریقا از قرن نوزدهم با چالش‌های جدی‌ای از سوی غرب (عامل بیرونی) مواجه شد که حتی تا پس از استقلال این کشورها نیز ادامه داشت. به همین جهت نخستین حرکت‌های اسلامی این منطقه، با هدف تدبیر اندیشی برای نجات جوامع اسلامی از استیصال و عقب ماندگی و زدودن پیرایه‌ها از چهره دین به راه افتاد و در ادامه، حرکت‌هایی در مقابله با استعمار غرب و یا در واکنش به رفتار سیاسی و انحطاط اخلاقی غرب پدید آمد. پیدایی جریان‌های اسلام سیاسی در حقیقت پاسخی به این چالش‌ها بود. هدف عمده این جریان‌ها نیز تلاش برای اسلامی کردن دولت و اجتماع از راه دست‌یابی به قدرت بود. به طور خاص، حمله ناپلئون بناپارت در سال ۱۷۹۸ م به مصر، فصل جدیدی را در تحرک‌های فکری - سیاسی اسلامی گشود. البته پیش از این تاریخ، جنبش‌هایی با هدف احیای فکر دینی یا تجددطلبی اصلاحی و تجدیدنظرطلبی فقهی در گوشه و کنار جهان اسلام ظهور یافته بود که از مهم‌ترین آن‌ها جنبش محمد بن عبدالوهاب در نجد در قرن هیجدهم (۱۷۹۱ - ۱۷۰۳ م)، جنبش ولی الله دهلوی در هند (۱۷۶۲ - ۱۷۰۲ م)، جنبش محمد بن علی شوکانی در یمن (۱۸۲۳ - ۱۷۵۸ م) جنبش آلوسی در عراق (۱۸۵۴ - ۱۸۰۲ م) جنبش محمد بن علی سنوسی در مراکش (۱۸۵۹ - ۱۷۷۸ م) و نیز جنبش محمد بن احمد المهدی معروف به مهدی سودانی در سودان (۱۸۸۵ - ۱۸۴۳ م) بودند. اگرچه برخی از این جنبش‌ها مترقیانه نبوده‌اند و همچون جنبش اسلام‌گرای وهابیت وصف «ارتجاعی» داشتند.

جریان‌های اسلام‌گرا در منطقه شمال آفریقا (همچون سایر ممالک اسلامی) با توجه به «نوع تعامل با دولت»، به دو جریان اصلی «میان‌رو» (حداقل‌گرا) و «رادیکال» (مسلحانه یا حداکثرگرا) تقسیم می‌شوند. در حالی که هواداران هر دو جریان خود را «اسلام‌گرا» می‌دانند، به دلیل تفاوت برداشت از متون مقدس در باب «عمل صالح زمان» و اختلاف تحلیل از وضعیت سیاسی - اجتماعی منطقه، یکی مبارزه خشونت‌آمیز را نفی می‌کند و بهره‌گیری از ابزارهای مبارزه مسالمت‌آمیز (اقتاع، ترغیب، چانه زنی و مصالحه) را در پیش می‌گیرد و دیگری گریز و گزیری از مبارزه خشونت‌آمیز

نمی‌بیند. با این حال، از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد جناح طرفدار گرایش اعتدال در جنبش اسلامی تا حدی توانست بر صحنه سیاسی اغلب این کشورها مسلط شود و به تدریج به جریان اصلی اسلام‌گرایی جهان عرب و آفریقای شمالی تبدیل شود. این تحول از اقدام جمعی رادیکال اسلامی به اقدام جمعی مسالمت‌آمیز در کشورهایی نظیر الجزایر، لبنان، اردن، عربستان سعودی، تونس، سودان و سایر نقاط جهان عرب روی داده است. ضمن آنکه برخی نمونه‌های مقاومت مسلحانه مسلمانان این منطقه و خاورمیانه در برابر سلطه نیروهای خارجی غیرمسلمان ریشه‌هایی به قدمت قیام مهدی سودانی و اعلام جهاد علیه انگلستان در اواخر قرن نوزدهم؛ اعلام جهاد جنبش اسلامی سنوسیه در شمال آفریقا علیه متفقین و نیروهای ایتالیا در اوایل قرن بیستم؛ قیام مسلحانه شیعیان عراق و اعلام جهاد آن‌ها علیه انگلستان در ۱۹۲۰؛ مبارزات مسلحانه اخوان المسلمین مصر علیه دولت و نیروهای انگلیسی در منطقه کانال سوئز در اوایل ۱۹۵۲ و... را با خود به همراه دارند و امروزه نیز سهم عمده‌ای در فضای سیاسی و اجتماعی این منطقه را به خود اختصاص داده‌اند.